

چرا شیعیان نمازهای «ظهر و عصر» و

«مغرب و عشا» را با هم می‌خوانند؟

کلمه مهدی درگاهی

مقدمه

«جمع بین دو نماز» از جمله اختلافات مذاهب فقهی است و مورد ابتلاء در حج است، به طوری که توجه ناظران، به ویژه در مکه معظمه و مدینه منوره به آن جلب می‌شود. اهل تسنن (حتی مسافران) پیوسته نمازهای پنج‌گانه را در پنج وقت به صورت جدا اقامه می‌کنند، اما اهل تشیع در بسیاری از اوقات، نمازهای پنج‌گانه را به شکل جمع تقدیم - یعنی خواندن نماز عصر بعد از نماز ظهر و خواندن نماز عشا بعد از نماز مغرب - و گاهی نیز به نحو جمع تأخیر - یعنی خواندن نماز ظهر و عصر در عصر و یا خواندن نماز مغرب و عشا اندکی پس از مغرب - اقامه می‌کنند. این مسئله باعث شده است که امروزه برخی تصور کنند جمع بین دو نماز، نوعی خواندن نماز در غیر وقت شرعی است که این خود موجب شگفتی است؛ بنابراین با مراجعه به منابع و نگاهی به اقوال و دلایل مذاهب فقهی، به تبیین این مسأله می‌پردازیم:

مفهوم‌شناسی واژه «الجمع بین الصلاتین»

«الجمع»، مصدر و به معنای «ضمیمه کردن» و «گردآوری نمودن» است^۱ و «البین»، ظرف و از اُضداد و به معنای «وصل» و یا «جدایی» است.^۲ کلمه «الصلاة»، اسم است و در لغت به معنای «دعا» و در اصطلاح، عبادتی خاص، یعنی «نماز» آمده است؛^۳ بنابراین، ترکیب «الجمع بین الصلاتین» یعنی اقامه نماز عصر و عشاء بدون فاصله بعد از نماز ظهر و مغرب، به طوری که نمازهای پنج‌گانه در سه نوبت خوانده شوند؛ چنانچه در وقت نماز اولی انجام شود، «جمع تقدیم» و اگر در وقت نماز دومی خوانده شود «جمع تأخیر» است.

مصادیق جمع بین دو نماز

با مراجعه به متون فقهی و اقوال فقیهان، جمع دو نماز به شکل‌های مختلفی بیان و تجویز شده است؛ یعنی می‌توان در شرایط عادی، در سفر، در حالت اضطرار و عارض شدن عذر و یا جمع در دو مکان «عرفات» و «مشعرالحرام» نماز را به صورت جمع خواند.

جمع بین دو نماز در شرایط عادی

فقه شیعه به پیروی از روایات معصومین علیهم‌السلام با بیان اوقات خاص و مشترک هر نماز^۴ و افضلیت و استحباب تفریق خواندن نمازها در پنج نوبت^۵، به جواز جمع - چه به نحو تقدیم و چه تأخیر - به جهت وسعت وقت بر امت اسلامی برای اتیان نماز،

۱. العین، ج ۱، ص ۲۴۰؛ لسان العرب، ج ۸، ص ۵۳؛ المفردات، ص ۲۰۱.

۲. العین، ج ۸، ص ۳۸۱؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۶۲؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۱۷.

۳. لسان العرب، ج ۱۴، ص ۴۶۷؛ المفردات، ص ۴۹۱؛ مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۶۶.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۶، الاستبصار، ج ۱، ص ۲۴۶.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۷؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۴۶.

۶. الکافی، ج ۳، ص ۲۸۶؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۲۱.

قائل است.^۱ به عبارت دیگر، شیعیان، به نمازگزاردن در پنج نوبت معتقدند و این عمل را مستحب و سنت رسول اکرم ﷺ می‌دانند، اما به وقت مشترک بین نمازهای ظهر و عصر، مغرب و عشاء و همچنین به وقت فضیلت برای هر نماز قائل است، برخلاف اهل سنت که آن را وقت مختص به همان نماز می‌دانند؛ برای نمونه، این تفاوت را بیان می‌کنیم: زمانی که اهل سنت، آن را مخصوص نماز ظهر می‌دانند - از اذان ظهر تا ساعت چهار عصر - شیعه معتقد است که وقت مختص به نماز ظهر، اول وقت اذان ظهر در فرصت چهار رکعت نماز ظهر است - تا ساعت چهار - و وقت فضیلت نماز ظهر است، نه وقت مختص آن و این وقت، مشترک بین دو نماز است و همچنین، اول وقت اذان عصر، که از نظر اهل سنت وقت نماز عصر است، شیعه، آن را وقت فضیلت نماز عصر و مشترک بین هر دو نماز می‌داند و معتقد است که وقت مختص به نماز عصر به اندازه چهار رکعت نماز خواندن در آخر وقت و نزدیک مغرب است.

این وقت مشترک برگرفته از آیه قرآن است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»^۲ خداوند در این آیه شریفه اوقات نمازهای پنج‌گانه را تعیین می‌کند؛ به گونه‌ای که ما بین «دلوک» و «غسق» وقت نمازهای چهارگانه (ظهر، عصر، مغرب و عشاء) مشخص می‌شود و چون می‌دانیم که وقت ظهر و عصر تا مغرب است،^۳ پس ما بین «دلوک» و «غروب» وقت مشترک ظهرین است، همان‌طور که ما بین «غروب» و «غسق» وقت مشترک نمازهای مغرب و عشاء است. اگر «غسق» به غروب خورشید و نه نصف شب - چنان‌چه پیش از این براین معنا بود - تفسیر

۱. الخلاف، ج ۱، ص ۵۸۸؛ المبسوط، ج ۱، ص ۱۴۰؛ المؤلف من المختلف، ج ۱، ص ۲۰۹؛ جامع الخلاف والوفاق،

ص ۱۰۳؛ ذکری الشیعه، ج ۴، ص ۳۳۶؛ الجامع للشرائع، ص ۹۳؛ المعتمر، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲. اسراء: ۷۸.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۴؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۲۵۸.

شود، این آیه تنها وقت نمازهای صبح، ظهر و عصر را بیان می‌کند، به نحوی که از اساس در قرآن، وقت نمازهای مغرب و عشا نیامده است؛ حال آنکه معصومین علیهم‌السلام در برخی روایات فرموده‌اند که این آیه شریفه، وقت همه نمازهای واجب را تعیین کرده است.^۱

به این ترتیب شیعه برای نمازهای «ظهر و عصر» و «مغرب و عشا»، «وقت اختصاصی» و «وقت فضیلت» و «وقت مشترک» معین کرده است.^۲

وقت اختصاصی، زمان اتیان نماز ظهر و مغرب، از ابتدای زوال و مغرب و زمان اتیان نماز عصر و عشا، انتهای وقت عصر و عشا است.^۳

وقت فضیلت، نماز ظهر، از شروع زوال تا زمانی است که سایه شاخص به اندازه خود شاخص است و وقت فضیلت نماز عصر نیز، زمانی است که سایه شاخص، دو برابر اندازه خود شاخص است و وقت فضیلت نماز مغرب، تا زمان از بین رفتن حمره مغریه (شفق) است و وقت فضیلت عشا، از پایان شفق تا یک سوم شب معین شده است.^۴

وقت مشترک از پایان وقت خاص نمازهای ظهر و مغرب، تا آغاز وقت خاص نماز عصر و عشا است.^۵ بنابراین، شیعیان برای تسهیل امور خود در وقت مشترک، هر دو نماز را با هم می‌خوانند.^۶ البته متون فقهی اهل سنت، نظریه واحدی درباره جمع بین دو نماز ندارد که در ادامه شرح می‌دهیم.

۱. الکافی، ج ۳، صص ۲۷۱ - ۲۷۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، صص ۱۹۶ - ۲۱۲.

۲. التهذیب، ج ۲، صص ۳۹ - ۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۴، صص ۱۴۱ - ۱۵۶.

۳. جامع الخلاف و الوفاق، ص ۵۵؛ نهاییة الأحکام، ج ۱، ص ۳۱۱؛ المعتبر، ج ۲، ص ۳۵؛ الدروس، ج ۱، ص ۱۳۹؛ الرسائل العشر، لابن فهد، ص ۱۵۰.

۴. جامع الخلاف و الوفاق، ص ۵۵؛ نهاییة الأحکام، ج ۱، ص ۳۱۱؛ المعتبر، ج ۲، ص ۳۵؛ الدروس، ج ۱، ص ۱۳۹؛ الرسائل العشر، ص ۱۵۰.

۵. جامع الخلاف و الوفاق، ص ۵۵؛ نهاییة الأحکام، ج ۱، ص ۳۱۱؛ المعتبر، ج ۲، ص ۳۵؛ الدروس، ج ۱، ص ۱۳۹؛ الرسائل العشر، ص ۱۵۰.

۶. الکافی، ج ۳، ص ۲۸۶؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۲۱.

جمع بین دو نماز، در سفر

دیدگاه‌های متفاوتی در این باره وجود دارد:

الف) جواز جمع در سفر مطلقاً

این جواز دیدگاه بسیاری از صحابه و تابعین است^۱ «شافعی»^۲ و «احمد بن حنبل»^۳ نیز چنین نظری دارند و دلیل آنها، احادیث باب است.^۴

ب) عدم جواز جمع در سفر مطلقاً

دیدگاه «حسن بصری»^۵، «نخعی»^۶، «ابوحنیفه»^۷، «ابویوسف»^۸ و «محمد»^۹ این قول را تأیید می‌کنند. این افراد، روایات مورد استناد گروه اول را بر جمع صوری، تعبیر

۱. الاستذکار، ج ۲، ص ۲۰۸: «وقال الشافعي وأصحابه من كان له أن يقصر فله أن يجمع بين الصلاتين في وقت إحداهما إن شاء في وقت الأولى وإن شاء في وقت الآخرة وهو قول عطاء بن أبي رباح وسالم بن عبد الله بن عمر وجهور علماء الحجاز وبه قال إسحاق بن راهويه وداود بن علي وهو قول ربيعة وأبي الزناد ومحمد بن المنكدر وصفوان بن سليم وأبي حازم وزيد بن أسلم» - «حلیة العلماء»، ج ۲، ص ۲۰۴؛ المغنی، ج ۳، صص ۱۶۲ - ۴۴۵؛ المجموع، ج ۴، ص ۳۷۱.
۲. الأم، ج ۷، ص ۱۹۵؛ الأوسط فی السنن، ج ۲، ص ۴۲۶: «فَلَمْ يَجْمَعْ فِي وَقْتِ الْأُولَى مِنْهَا وَإِنْ شَاءَ فَيَسِي وَقْتِ الْآخِرَةِ، هَذَا قَوْلُ الشَّافِعِيِّ وَإِسْحَاقَ بْنِ زَاهَوِيَةَ وَقَالَ الشَّافِعِيُّ جَدَّ بِهِ السَّيْرِيُّ أَوْ لَمْ يَجِدْ سَائِرًا كَانَ أَوْ نَازِلًا»، الحاوی فی فقه الشافعی، ج ۲، صص ۳۵۹، ۳۷۹ و ۳۹۲؛ المهذب، ج ۱، ص ۱۰۴.
۳. مسائل الإمام أحمد، ج ۱، ص ۱۰۷؛ الاستذکار، ج ۲، ص ۲۰۸؛ الكافي فی فقه ابن حنبل، ج ۱، ص ۳۱۱؛ المحرر فی الفقه علی مذهب الامام احمد، ج ۱، ص ۱۳۴؛ الانصاف، ج ۲، ص ۲۳۵.
۴. موطأ مالك، ج ۱، ص ۴۳۱ و ج ۲، ص ۱۹۶؛ صحيح مسلم، ج ۳، ص ۴۹۶، سنن أبي داود، ج ۳، ص ۴۵۳؛ سنن الترمذی، ج ۱، ص ۳۵۴.
۵. البيان فی مذهب الشافعی، ج ۲، ص ۴۸۶: «وقال الحسن البصري، ابن سيرين، مكحول، النخعي، أبو حنيفة، أصحابه: لا يجوز الجمع بين الصلاتين في السفر بحال»؛ المجموع، ج ۴، ص ۳۷۱.
۶. همان.
۷. الحجة علی اهل المدينة، ج ۱، ص ۱۶۱؛ شرح معانی الآثار، ج ۱، ص ۲۸۲ و ج ۳، ص ۲۵۳؛ حلیة العلماء، ج ۲، صص ۱۵۹ و ۲۰۴.
۸. همان.
۹. همان.

کرده‌اند؛ به این معنی که به طور مثال، نمازگزار، نماز مغرب را در آخر وقت بخواند و بدون وقفه، نماز عشاء را در اول وقت اقامه کند.^۱

ج) تفصیل در جواز

«مالک»^۲ و «لیث بن سعد»^۳ جواز جمع بین دو نماز را مخصوص کسی می‌دانند که در سفر عجله داشته باشد؛ هر چند در این فرض، مالک تنها به «جمع تأخیر» قائل است.^۴

در خصوص تفصیل، روایات حاکی از عملکرد پیامبر ﷺ بر دو دسته است؛ در برخی از کتب حدیث اهل سنت، نقل شده است که رسول خدا ﷺ وقتی که در سفر عجله داشتند، بین دو نماز جمع می‌کردند^۵ و در دسته دیگر به قید مذکور اشاره‌ای نشده است.^۶

کسانی که به تفصیل باور دارند، چه بسا به مقتضای قاعده و تعجیل حمل مطلق بر مقید، تکیه می‌کنند؛ اما با توجه به اینکه روایات مربوط به فعل پیامبر ﷺ است، پس نسی هستند و تقیید در آن مطرح نمی‌شود، البته اگر چنین گفته شود که جمع بین دو نماز توسط پیامبر ﷺ در سفر با تعجیل همراه بوده و راوی آن را نقل نکرده، چون داخل در

۱. الحجة على اهل المدينة، ج ۱، ص ۱۷۷؛ شرح المعاني الآثار، ج ۱، ص ۲۸۲؛ الميسوط، ج ۵، ص ۴۳۹ و ۵۰.
۲. موطأ مالک، ج ۱، ص ۴۳۱؛ المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۲۰۵؛ «وقال مالك: لا يجمع الرجل بين الصلاتين في السفر إلا أن يجد به السير»، التلقين، ج ۱، ص ۵۰، ۸۱ و ۱۲۲.
۳. الاستذكار، ج ۲، ص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ البيان و التحصيل، ج ۲، ص ۱۷.
۴. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۲۰۵؛ الاستذكار، ج ۲، ص ۲۰۷؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۱۷۱.
۵. موطأ مالک، ج ۱، ص ۴۳۲؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۴۹۶؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۷۴ و ج ۲، ص ۴۴ — ۵۸؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۴، ۸، ۵۴، ۸۰ و ۱۰۲؛ سنن أبي داود، ج ۳، ص ۴۵۳.
۶. موطأ مالک، ج ۱، ص ۴۳۲؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۴۷؛ سنن ابی داود، ج ۳، ص ۴۵۵.

حکم نمی‌دانسته، قول به تفصیل بدون دلیل نخواهد بود.^۱ در مقابل، معتقدان به قول اول اصولاً، با غالبی دانستن دیدگاه تفصیلی، جمع دو نماز را در سفر، بدون تفصیل مذکور، جایز می‌دانند.

جمع بین دو نماز در حضر به جهت عذر و اضطرار

مشهور فقهای عامه، جمع دو نماز را در صورت عذر و اضطرار، به طور اجمال (در شرایط خاصی) جایز می‌دانند، البته اقوال ایشان در این صورت مختلف است:

اول: اختلاف به جهت اختصاص جواز جمع به خصوص باران، که این نظر شافعی است^۲ یا اعم از آن و دیگر موارد عذر و اضطرار رأی «ابن سیرین»، «مالک»، «أشهب»، «احمد»، «ابن رشد» و «ابن منذر»، چنین است.^۳

دوم: اختلاف به جهت اختصاص جواز، به خصوص نماز مغرب و عشاء، که نظر مالک بر این است^۴ و یا اعم از آن و ظهیرین می‌باشد که شافعی به آن قائل است.^۵

سوم: اختلاف به جهت اختصاص جواز به خصوص جمع تأخیر، به این معنا که ممکن است با تأخیر نماز ظهر مثلاً و به جا آوردن آن با نماز عصر، باران قطع و جمع بدون عذر صورت گیرد، یا اعم از آن و جمع تقدیم که از شافعی، هر دو قول، نقل شده است.^۶

۱. المبسوط، ج ۱، ص ۴۳۹؛ بدایة‌المجتهد، ج ۱، ص ۱۷۳؛ التلقین، ج ۱، ص ۵۰ و ۸۱ و ۱۲۲.

۲. الحاوی فی فقه الشافعی، ج ۲، ص ۳۵۹؛ حلیة العلماء، ج ۲، ص ۲۰۴؛ المجموع، ج ۴، ص ۳۷۸.

۳. مسائل الإمام أحمد، ج ۳، ص ۱۷۷؛ المحرر فی الفقه، ج ۱، ص ۱۳۴؛ حلیة العلماء، ج ۲، ص ۲۰۷؛ الاستذکار، ج ۲، ص ۲۱۱؛ المبسوط، ج ۱، ص ۴۳۸؛ التاج و الإکلیل، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۲، ۲۳۱ و ۳۷۲؛ حلیة العلماء، ج ۲، ص ۲۰۶؛ الاستذکار، ج ۲، ص ۲۱۱؛ التلقین، ج ۱، ص ۵۰ و ۸۱ و ۱۲۲.

۵. بدایة‌المجتهد، ج ۱، ص ۱۷۳؛ المجموع، ج ۴، ص ۲۶۰؛ بدایع الصنایع، ج ۱، ص ۳۸۸.

۶. المجموع، ج ۴، ص ۲۵۸ و ۳۷۵؛ الاستذکار، ج ۲، ص ۲۰۸.

جمع بین دو نماز در دو مکان عرفات و مزدلفه

مذاهب فقهی اهل سنت در جواز جمع بین دو نماز، در «عرفات» و «مزدلفه» اتفاق نظر دارند، به این بیان که در اولی، می‌توان نمازِ ظهر و عصر را به نحو جمع تقدیم، و در دومی، نماز مغرب و عشاء را به نحو جمع تأخیر، ادا کرد؛^۱ هرچند که برخی از آنها، این جمع را از مناسک حج به شمار می‌آورند و تصریح می‌کنند که «مُعْتَمِر» و یا «مُحِل»، حق جمع بین دو نماز را در این دو مکان ندارد.^۲

این رأی، برگرفته از روایت «مسلم» از «جابر بن عبدالله» است که درباره عملکرد رسول خدا ﷺ در موسم حج است.^۳

فارغ از این اختلاف‌ها که تنها به نمونه‌های مهم آن اشاره شد، آنچه اهمیت دارد، این است که دلیل بر جواز جمع در حضر به نحو اختیاری در منابع فقهی اهل سنت موجود است.

سی روایت از «صحاح»^۴، «سنن»^۵ و «مسانید»^۶ از فعل و عملکرد رسول خدا ﷺ نقل شده است که همگی بر جواز جمع دو نماز در حضر به نحو اختیاری، دلالت دارند. احادیث دیگری نیز در کتب غیر فقهی، به این مطلب اشاره کرده‌اند.^۷ به این روایات توجه کنید:

۱. الاستذکار، ج ۲، ص ۲۰۵؛ بدایة‌المجتهد، ج ۱، ص ۱۷۰؛ المغنی، ج ۲، ص ۱۱۲.
۲. شرح معانی الآثار، ج ۳، ص ۲۵۵؛ الحجة علی اهل المدینه، ج ۱، ص ۱۶۱؛ المجموع، ج ۴، ص ۳۷۱.
۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۳۹.
۴. صحیح مسلم، ج ۲، صص ۱۵۱ - ۱۵۳؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۱۰.
۵. سنن ترمذی، ج ۱، ص ۳۵۴؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۶؛ سنن النسائی، ج ۱، ص ۲۹۰.
۶. مسنداحمد، ج ۱، صص ۲۲۱ - ۲۲۳؛ موطا مالک، ج ۱، ص ۱۴۴؛ مصنف عبدالرزاق، ج ۲، ص ۵۵۶.
۷. معجم الاوسط، ج ۲، ص ۹۴؛ کنز العمال، ج ۸، صص ۲۴۶ - ۲۵۱.

- حدّثنا یحیی بن یحیی قال: قرأت علی مالک، عن الزبیر، عن سعید بن جبیر، عن ابن عباس قال: صلّی رسول الله الظهر والعصر جميعاً والمغرب والعشاء جميعاً في غير خوف ولا سفر.

- وحدّثنا أحمد بن یونس وعون بن سلام جميعاً عن زهير، قال ابن یونس: حدّثنا زهير، حدّثنا أبو الزبیر، عن سعید بن جبیر، عن ابن عباس قال: صلّی رسول الله الظهر والعصر جميعاً بالمدينة في غير خوف ولا سفر. قال أبو الزبیر: فسألت سعیداً: لم فعل ذلك؟ فقال: سألت ابن عباس كما سألتني فقال: أراد أن لا يخرج أحداً من أمته.

- وحدّثنا أبو بكر بن أبي شيبه وأبو كريب قالوا: حدّثنا أبو معاوية؛ وحدّثنا أبو كريب وأبو سعید لا- واللفظ لأبي كريب- قالوا: حدّثنا وكيع كلاهما عن الأعمش، عن حبيب بن أبي ثابت، عن سعید بن جبیر، عن ابن عباس قال: جمع رسول الله بين الظهر والعصر والمغرب والعشاء بالمدينة في غير خوف ولا مطر «في حديث وكيع» قال: قلت لابن عباس: لم فعل ذلك؟ قال: كي لا يخرج أمته. وفي حديث أبي معاوية قيل لابن عباس: ما أراد إلى ذلك؟ قال: أراد أن لا يخرج أمته.

- وحدّثنا أبو بكر بن أبي شيبه، حدّثنا سفیان بن عيينة، عن عمرو، عن جابر بن زيد، عن ابن عباس قال: صلّيت مع النبي ثمانياً جميعاً وسبعاً جميعاً، قلت: يا أبا الشعثاء أظنه أّخر الظهر وعجّل العصر وأّخر المغرب وعجّل العشاء، قال: وأنا أظن ذلك. ما ظنه- لو رجع إلى الجمع الصوري كما سيوافيك- لا يغني من الحق شيئاً، وسيوافيك الكلام فيه.

- حدّثنا أبو الربيع الزهراني، حدّثنا حماد بن زيد، عن عمرو بن دينار، عن جابر بن زيد، عن ابن عباس أن رسول الله صلّى بالمدينة سبعاً وثمانياً الظهر والعصر والمغرب والعشاء. وحدّثني أبو الربيع الزهراني، حدّثنا حماد، عن الزبیر بن الحزير، عن عبد الله بن شقيق قال: خطبنا ابن عباس يوماً بعد العصر حتّى غربت الشمس وبدت النجوم، وجعل الناس

يقولون: الصلاة الصلاة قال: فجاءه رجل من بني تميم لا يفتر ولا ينثني: الصلاة الصلاة، فقال ابن عباس: أتعلّمني بالسنة لا أمّ لك، ثمّ قال: رأيت رسول الله جمع بين الظهر والعصر، والمغرب والعشاء. قال عبد الله بن شقيق: فحاك في صدري من ذلك شيء فأثبت أبا هريرة فسألته، فصدّق مقالته

- وحدّثنا ابن أبي عمر، حدّثنا وكيع، حدّثنا عمران بن حدير، عن عبد الله بن شقيق العقيلي قال: قال رجل لابن عباس: الصلاة، فسكت؛ ثمّ قال: الصلاة، فسكت؛ ثمّ قال: الصلاة، فسكت، ثمّ قال: لا أمّ لك أتعلّمنا بالصلاة وكنا نجمع بين الصلاتين على عهد رسول الله .
احاديث فوق را مسلم در صحيح نقل کرده است^١:

- أخرج البخاري عن ابن عباس: أنّ النبي صلّى بالمدينة سبعاً وثمانياً: الظهر والعصر، والمغرب والعشاء، فقال أيوب: لعلّه في ليلة مطيرة؟ قال: عسى^٢.

أخرج البخاري عن جابر بن زيد، عن ابن عباس قال: صلّى النبي سبعاً جميعاً وثمانياً جميعاً^٣.
أخرج البخاري بإرسال عن ابن عمر وأبي أيوب وابن عباس، صلّى النبي المغرب والعشاء^٤.

أخرج الترمذي عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس قال: جمع رسول الله بين الظهر والعصر وبين المغرب والعشاء بالمدينة من غير خوف ولا مطر، قال: فقليل لابن عباس: ما أراد بذلك؟ قال: أراد أن لا يخرج أمّته.

- قال الترمذي بعد نقل الحديث: حديث ابن عباس قد روى عنه من غير وجه، رواه

١. شرح صحيح مسلم للنووي، ج ٥، صص ٢١٣ - ٢١٨؛ باب الجمع بين الصلاتين في الحضر ومع أنّ العنوان خاص بالحضر نقل فيه ثلاث روايات جاء فيها الجمع بين الصلاتين في السفر تركنا نقلها. ولعلّه نقلها في هذا الباب إيعازاً بأنّ كيفية الجمع في الحضر مثلها في السفر كما سيوافيك بيانه.

٢. صحيح البخاري، ج ١، ص ١١.

٣. همان، ج ١، ص ١١٠.

٤. همان، ج ١، ص ١١٣.

جابر بن زيد وسعيد بن جبیر و عبد الله بن شقيق العقيلي.^۱

- أخرج الإمام أحمد عن قتادة قال: سمعت جابر بن زيد، عن ابن عباس قال: جمع رسول الله بين الظهر والعصر، والمغرب والعشاء بالمدينة في غير خوف ولا مطر، قيل لابن عباس: وما أراد لغير ذلك؟ قال: أراد ألا يخرج أمته.^۲

- أخرج الإمام أحمد عن سفيان، قال عمر: وأخبرني جابر بن زيد أنه سمع ابن عباس يقول: صلّيت مع رسول الله ثانياً جميعاً وسبعاً جميعاً، قلت له: يا أبا الشعثاء أظنه أآخر الظهر وعجل العصر، وأخر المغرب وعجل العشاء، قال: وأظن ذلك.^۳

- أخرج الامام أحمد عن عبد الله بن شقيق، قال: خطبنا ابن عباس يوماً بعد العصر حتى غربت الشمس وبدت النجوم وعلق الناس ينادونه الصلاة وفي القوم رجل من بني تميم فجعل يقول: الصلاة الصلاة، فغضب، قال: أتعلّمني بالسنة شهدت رسول الله جمع بين الظهر والعصر والمغرب والعشاء، قال عبد الله: فوجدت في نفسي من ذلك شيئاً فلقيت أبا هريرة فسألته فوافقه.^۴

- أخرج مالك عن سعيد بن جبیر، عن عبد الله ابن عباس أنه قال: صلّى رسول الله الظهر والعصر جميعاً والمغرب والعشاء جميعاً في غير خوف ولا سفر.^۵

- أخرج أبو داود عن سعيد بن جبیر، عن عبد الله بن عباس، قال: صلّى رسول الله الظهر والعصر جميعاً، والمغرب والعشاء جميعاً في غير خوف ولا سفر. قال مالك: أرى ذلك كان في مطر.^۶

۱. سنن الترمذی، ج ۱، ص ۳۵۴، رقم الحديث ۱۸۷.

۲. مسند أحمد، ج ۱، ص ۲۲۳.

۳. همان.

۴. همان.

۵. موطأ مالك، ج ۱، ص ۱۴۴، باب الجمع بين الصلاتين في الحضر والسفر، الحديث ۴.

۶. سنن أبي داود، ج ۲، ص ۶.

- أخرج أبو داود عن جابر بن زيد، عن ابن عباس، قال: صَلَّى بنا رسول الله بالمدينة ثانياً وسبعاً الظهر والعصر، والمغرب والعشاء قال أبو داود: ورواه صالح مولى التوأمة، عن ابن عباس قال: في غير مطر.^١

- أخرج النسائي عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس، قال: صَلَّى رسول الله الظهر والعصر جميعاً والمغرب والعشاء جميعاً من غير خوف ولا سفر.^٢

- أخرج النسائي عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس أنّ النبي كان يصلي بالمدينة يجمع بين الصلاتين بين الظهر والعصر والمغرب والعشاء من غير خوف ولا مطر، قيل له: لم؟ قال: لئلا يكون على أمته حرج.^٣

- أخرج النسائي عن أبي الشعثاء، عن ابن عباس قال: صَلَّيت وراء رسول الله ثانياً جميعاً وسبعاً جميعاً.^٤

- أخرج النسائي عن جابر بن زيد، عن ابن عباس أنّه صَلَّى بالبصرة الأولى والعصر ليس بينهما شيء، والمغرب والعشاء ليس بينهما شيء فعل ذلك من شغل، وزعم ابن عباس أنّه صَلَّى مع رسول الله بالمدينة، الأولى والعصر ثمان سجّدت ليس بينهما شيء.^٥

- أخرج الحافظ عبد الرزاق عن داود بن قيس، عن صالح مولى التوأمة أنّه سمع ابن عباس يقول: جمع رسول الله بين الظهر والعصر، والمغرب والعشاء بالمدينة في غير سفر ولا مطر، قال قلت لابن عباس: لم تراه فعل ذلك؟ قال: أراه للتوسعة على أمته.^٦

- أخرج عبد الرزاق عن ابن عباس قال: جمع رسول الله بين الظهر والعصر، بالمدينة في غير سفر

١. سنن أبي داود، ج ٢، ص ٦، الحديث ١٢١٤.

٢. سنن النسائي، ج ٢، ص ٢٩٠.

٣. همان، ج ١، ص ٢٩٠.

٤. همان.

٥. همان، ص ٢٨٦.

٦. مصنف عبد الرزاق، ج ٢، ص ٥٥٥ و ٥٥٦.

- ولا خوف، قال: قلت لابن عباس: ولِمَ تراه فعل ذلك؟ قال: أراد أن لا يخرج أحداً من أُمَّته. ^١
- أخرج عبد الرزاق عن عمرو بن دينار أن أبا الشعثاء أخبره أن ابن عباس أخبره، قال: صلّيت وراء رسول الله ثانياً جميعاً وسبعاً جميعاً بالمدينة، قال ابن جريج، فقلت لأبي الشعثاء: أتني لأظن النبي أآخر من الظهر قليلاً وقدم من العصر قليلاً، قال أبو الشعثاء: وأنا أظن ذلك. ^٢
- أخرج عبد الرزاق عن عمرو بن شعيب، عن عبد الله بن عمر قال: جمع لنا رسول الله مقيماً غير مسافر بين الظهر والعصر فقال رجل لابن عمر: لم ترى النبي فعل ذلك؟ قال: لأن لا يخرج أُمَّته إن جمع رجل. ^٣
- أخرج الطحاوي في «معاني الآثار» بسنده عن جابر بن عبد الله قال: جمع رسول الله بين الظهر والعصر والمغرب والعشاء في المدينة للرخص من غير خوف ولا علة. ^٤
- أخرج الحافظ أبو نعيم أحمد بن عبد الله الاصفهاني (المتوفى عام ٤٣٠ هـ. ق) عن جابر بن زيد أن ابن عباس جمع بين الظهر والعصر، وزعم أنه صلّى مع رسول الله بالمدينة الظهر والعصر. ^٥
- أخرج أبو نعيم عن عمرو بن دينار قال: سمعت أبا الشعثاء يقول: قال ابن عباس رضي الله عنه: صلّى رسول الله ثانياً ركعات جميعاً وسبع ركعات جميعاً من غير مرض ولا علة. ^٦
- أخرج البزار في مسنده عن أبي هريرة قال: جمع رسول الله بين الصلاتين في المدينة من غير خوف. ^٧

١. مصنف عبد الرزاق، ج ٢، ص ٥٥٥ و ٥٥٦.

٢. همان، ص ٥٥٦.

٣. همان، ص ٥٥٦.

٤. معاني الآثار، ج ١، ص ١١٦.

٥. حلية الأولياء، ج ٣، ص ٩٠.

٦. حلية الأولياء، ج ٣، ص ٩٠، باب جابر بن زيد.

٧. مسند البزار، ج ١، ص ٢٨٣، الحديث رقم ٤٢١.

اسناد این روایات، به «عبدالله بن عباس»، «عبدالله بن عمر»، «ابویوب انصاری»، «ابوهریره»، «جابر بن عبدالله انصاری» و «عبدالله بن مسعود»، باز می‌گردد؛ با مطالعه این احادیث، خواننده محترم بر اعتنای حُفَاط و اکابر از محدثین نسبت به نقل این روایات مطلع می‌شود، به گونه‌ای که ممکن نیست، کسی این احادیث را مُنکر شود و یا آنها را مختص شیعیان بداند. البته از آنجا که مضمون روایات، مخالف با مذاهب فقهی است، برخی در مقام جواب از این احادیث، به ترک جمهور فقهاء در عمل به این احادیث را استناد، و روایات مذکور را رد می‌کنند.^۱ و برخی دیگر نیز با توجیه تأویلاتی مانند اینکه «جمع مذکور، جمع صوری بوده»^۲ و یا «به علت عذر یا سفر و یا باران است»^۳ به آن جواب داده‌اند.

اینکه چون اکثر علما به روایات عمل نمی‌کنند، دلیل بر ضعف احادیث است، صحیح نیست و از اساس، چنین چیزی درستی روایات را نفی نمی‌کند.^۴ بسیاری از فقیهان و بزرگان «جمع در حضر» به دلیل حاجت مادامی که برای او عادت نشود را جایز می‌دانند و برخی دیگر با توجیهاتی مانند عذر، باران و اضطرار، آن را جایز می‌دانند؛ بنابراین ترک و اعراض همه علما در مقام عمل، ادعایی بیش نیست.^۵

احتیاط در آن است که نماز در وقت فضیلت آن و به نحو تفریق خوانده شود، البته این احتیاط به احتیاط دیگری مزاحم است؛ زیرا در زمان ما بسیاری از عوام را به ترک نماز می‌کشاند، چنان‌که شاهد آن هستیم؛ درحالی‌که در صورت جمع، شخص با اتیان

۱. سنن ترمذی، ج ۱، ص ۳۵۴.

۲. الحجة علی اهل المدینه، ج ۱، ص ۱۷۷؛ شرح المعانی الآثار، ج ۱، ص ۲۸۲؛ المبسوط، ج ۵، ص ۵۰ و ۴۳۹.

۳. مسائل الإمام أحمد، ج ۳، ص ۱۷۷؛ الحاوی فی فقه الشافعی، ج ۲، ص ۳۵۹؛ المحرر فی الفقه، ج ۱، ص ۱۳۴؛ حلیة العلماء، ج ۲، ص ۲۰۷؛ الاستذکار، ج ۲، ص ۲۱۱؛ المبسوط، ج ۱، ص ۴۳۸؛ المجموع، ج ۴، ص ۳۷۸؛ التاج و الإکلیل، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴. نیل الاوطار، للشوکانی، ج ۳، ص ۲۱۸.

۵. شرح صحیح مسلم، للنووی، ج ۵، ص ۲۲۴؛ روح المعانی، لاوسی، ج ۱۵، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.

نماز ظهر و عصر به کارهای روزانه‌اش هم می‌رسد و دیگر نیاز نیست که پس از ساعتی دوباره خود را برای نماز مهیا کنند. بنابراین بر فقیهان امت اسلامی لازم است که با توجه به اصل جواز جمع که در آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (اسراء: ۷۸)، بیان شده است و اینکه در دین اسلام حرج و عسری نیست^۱، به جواز جمع به نحو اختیاری فتوا دهند.

اگر فتوا ندادن به جواز جمع، با توجه به روایاتی باشد که جمع بین دو نماز را از گناهان کبیره می‌دانند^۲، باز هم دلیل قانع کننده‌ای نیست، چه اینکه در سند این روایات، «حنس» بوده و او هم در کتب رجالی تضعیف شده است.^۳ اگر گفته شود که استمرار رسول خدا بر تفریق موجب شده است که فتوا به جواز داده نشود، پاسخ می‌دهیم که همه این سی روایت، جواز و عدم استمرار ایشان در جمع بین نمازها در حالت اختیاری را بیان می‌کنند.

۱. «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵) و «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمُ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸).

۲. سنن ترمذی، ج ۱، ص ۳۵۶

۳. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۴۶.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ابوجعفر محمد حسن طوسی، اول، تهران، ایران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ هـ. ق.
۳. الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار، أبوعمریوسف بن عبدالله بن عبدالبرالنمری ابن قرطبی، تحقیق سالم محمد عطا، محمدعلی معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰ م.
۴. الأم، ابی عبدالله محمدبن ادريس الشافعی، الطبعة الثانية، بی جا، دارالفکر، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۵. الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل، علاءالدین أبو الحسن علی بن سلیمان، المرادوی دمشقی الصالحی، لبنان، دارإحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۹ هـ. ق.
۶. الأوسط فی السنن والإجماع والاختلاف، أبوبکر محمدبن ابراهیم بن المنذر النیسابوری، أبوحماد صغیر أحمدبن محمد حنیف، الرياض، السعودیه، دارطیبه، بی تا.
۷. بداية المجتهد و نهاية المقتصد، محمد بن أحمد أبوالولید بن رشد القرطبی، مصدر الكتاب : ملتی أهل الحدیث، بی جا، بی تا.

۸. البيان فى مذهب الإمام الشافعى، أبو الحسين يحيى بن أبى الخير بن سالم العمرانى اليمنى الشافعى، قاسم محمد النورى، جده، دار المنهاج، ۱۴۲۱ هـ. ق.
۹. البيان والتحصيل والشرح والتوجيه والتعليل لمسائل المستخرجه، محمد حجى و آخرون، محمد بن أحمد أبو الوليد بن رشد القرطبي، محمد حجى و آخرون، الطبعة الثانية، لبنان، بيروت دار الغرب الإسلامى، ۱۴۰۸ هـ. ق. - ۱۹۸۸ م.
۱۰. التاج والإكليل لمختصر خليل، أبو عبد الله محمد بن يوسف العبدري الشهير بالمواق، مصدر الكتاب: موقع الإسلام.
۱۱. التلقين فى الفقه المالكى، أبو محمد عبد الوهاب بن على بن نصر الثعلبى البغدادى المالكى، ابى أويس محمد بوخبرة الحسنى التطوانى، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۵ هـ. ق.
۱۲. تهذيب الأحكام، طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن طوسى، چهارم، تهران ايران، دارالكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۱۳. جامع الخلاف و الوفاق بين الإمامية و بين أئمة الحجاز و العراق، على مؤمن قمى سبزوارى، مصحح: شيخ حسين حسنى بيرجندى، قم، ايران، ۱۴۲۱ هـ. ق.
۱۴. الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابورى، مسلم، مصدر الكتاب: موقع الإسلام، بى جا، بى تا.
۱۵. الجامع الصحيح سنن الترمذى، محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذى السلمى، بيروت، دار إحياء التراث العربى أحمد محمد شاکر و آخرون، بى تا.
۱۶. الجامع للشرائع، يحيى بن سعيد حلى، مصحح: جمعى از محققين تحت إشراف شيخ جعفر سبحانى، قم، مؤسسة سيد الشهداء العلمية، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۱۷. الحاوى فى فقه الشافعى، أبو الحسن على بن محمد بن محمد بن حبيب البصرى البغدادى ماوردى، بى جا، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۴ هـ. ق.

۱۸. الحججہ علی أهل المدینہ، أبو عبد الله محمد بن الحسين، مهدی حسن کیلانی القادری، الطبعة: الثالثة، عالم الكتب، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۹. حلیة العلماء فی معرفه مذاهب الفقهاء، سيف الدين أبي بكر محمد بن أحمد ابن شاشی القفال، یاسین أحمد إبراهيم درادکة، بیروت، عمان، مؤسسہ الرسالہ دار الأرقم، ۱۹۸۰ م.
۲۰. الخلاف، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، شیخ علی خراسانی، سید جواد شهرستانی، شیخ مهدی طه نجف، شیخ مجتبی عراقی، اول، قم، ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۲۱. دار صادر، ابراهیم بن علی بن یوسف الشیرازی أبو إسحاق، المهدب فی فقه الإمام الشافعی، بیروت، بی تا.
۲۲. الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة، محمد بن مکی، عالم شهید اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ هـ. ق.
۲۳. ذکرى الشيعة فی أحكام الشريعة، محمد بن قلی عاملی شهید اول، بی تا، بی جا، بی تا.
۲۴. الرسائل العشر، جمال الدين احمد بن محمد اسدى، قحطی، تصحیح سید مهدی رجائی، قم، ایران، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله، قم، ایران، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۲۵. سنن أبي داود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السَّجِسْتَانِي أبو داود، مصدر الكتاب: موقع الإسلام، بی تا، بی جا، بی تا.
۲۶. سنن النسائي، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي، عبدالفتاح أبو غدة، الطبعة الثانية، حلب، مكتب المطبوعات الإسلامية، ۱۴۰۶ هـ. ق - ۱۹۸۶ م.
۲۷. شرح معانی الآثار، أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري الطحاوي، عدد الأجزاء: ۴، مصدر الكتاب: موقع الإسلام.

۲۸. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، سید احمد حسین، تهران، ایران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۳۰. علاءالدین کاشانی، ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرایع، ابوبکر بن مسعود علاء الدین کاشانی، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ هـ. ق - ۱۹۸۶ م.
۳۱. علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق قمی، قم، ایران، کتابفروشی داوری، بی‌تا.
۳۲. الکافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، چهارم، تهران، ایران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۳۳. کتاب العین، خلیل بن احمد، فراهیدی، ایران، منشورات الهجرة، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۳۴. الکافی فی فقه ابن حنبل، عبدالله بن قدامة المقدسی أبو محمد ابن قدامه، بی‌جا، بی‌تا.
۳۵. کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علی بن حسام الدین المتقی الهندی، بی‌جا - بی‌تا.
۳۶. لسان العرب، محمد بن مرم ابن منظور، بیروت، لبنان، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۳۷. المبسوط فی فقه الإمامیه، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، سید محمد تقی کشفی، سوم، تهران ایران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷ هـ. ق.
۳۸. المبسوط، محمد بن أحمد بن أبی سهل شمس الأئمة السرخسی، عدد الأجزاء: ۳۰، مصدر الكتاب: موقع الإسلام.
۳۹. المجموع شرح المهذب، أبوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووی، دارالفکر، بی‌تا.

٤٠. المحرر في الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل، عبد السلام بن عبد الله بن الخضر بن محمد بن تيميه الحراني، مكتبة المعارف، الرياض، الطبعة الثانية، ١٤٠٤ هـ. ق.
٤١. المدونه الكبرى، ابن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني مالك، زكريا عميرات، بيروت، دارالكتب العلمية بيروت.
٤٢. مسائل الإمام أحمد رواية أبي داود السجستاني، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي، أبي داود السجستاني، أبي معاذ طارق بن عوض الله بن محمد، مصر، مكتبة ابن تيمية، ١٤٢٠ هـ. ق.
٤٣. مسند أحمد بن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني ابن حنبل، السيد أبو المعاطي النوري، بيروت، عالم الكتب، ١٤١٩ هـ. ق.
٤٤. مصنف عبد الرزاق، أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، حبيب الرحمن الأعظمي، الطبعة الثانية، بيروت، المكتبة الإسلامية، ١٤٠٣ هـ. ق.
٤٥. المعبر في شرح المختصر، نجم الدين جعفر بن حسن حلبى، محمد على حيدرى، سيد مهدي شمس الدين، سيد ابو محمد مرتضوى، سيد على موسى، اول، قم، مؤسسه سيد الشهداء ١٤٠٧ هـ. ق.
٤٦. المعبر في شرح المختصر، نجم الدين جعفر بن حسن حلبى، محمد على حيدرى، سيد مهدي شمس الدين، سيد ابو محمد مرتضوى، سيد على موسى، اول، قم، ايران، مؤسسه سيد الشهداء، ١٤٠٧ هـ. ق.
٤٧. المعجم الأوسط، أبو القاسم سليمان بن أحمد، الطبراني، طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسينى، القاهرة، دار الحرمين، ١٤١٥ هـ. ق.
٤٨. المغنى، عبد الله بن أحمد ابن قدامه، بيروت، لبنان، ١٤١٤ هـ. ق.
٤٩. المفردات في غريب القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهاني، صفوان عدنان داودى، بيروت، سوريه، دار العلم، الدار الشاميه، ١٤١٢ هـ. ق.

۵۰. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق قمی، دوم، قم، ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ایران، ۱۴۱۳ ه.ق.
۵۱. المؤطأ، بن أنس بن مالک بن عامر الأصبیحی المدنی مالک، مصدر الكتاب: موقع الإسلام، بی‌جا، بی‌تا.
۵۲. نهاية الإحکام فی معرفة الأحکام، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی حلی، بی‌جا، بی‌تا.
۵۳. وسائل الشیعه، محمد بن حسن بن علی، عاملی، گروه پژوهش مؤسسه آل‌البتیت اول، قم ایران، مؤسسه آل‌البتیت، ۱۴۰۹ ه.ق.

